

بررسی و نقد مقاله «بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی»

محمد نجاتی^۱

یاسر سالاری^۲

۱- چکیده

در مطالعه حاضر مقاله «بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی» مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. در مقاله مذکور نفس اصالت وجود ملاک تفکیک دو معنای اصالت وجود دانسته شده است اما چپینش آرای ملاصدرا نشان می‌دهد ملاک تفاوت مذکور به نگرش‌های متفاوت وی به اعتباریت ماهیت بازگشت می‌کند. به جهت اینکه نویسندگان دو معنای اصالت وجود را به صورت عرضی و متقابل با یکدیگر در نظر گرفته‌اند به وجود ناسازگاری در نظام صدرایی معتقد شده‌اند. اما باید دانست دو معنای اصالت وجود در تفکر صدرایی رابطه‌ای طولی و متلائم با یکدیگر دارد و ادعای ناسازگاری مقرون به صحت نیست. در نتیجه تفاوت دیدگاه‌های ملاصدرا در برخی مواضع بدین جهت است که رأی ابتدایی ملاصدرا متلائم با معنای عام اصالت وجود بوده است و عمدتاً رأی نهایی وی در اینگونه مواضع مبتنی بر نگرش خاص در مبنای اصالت وجود است.

کلمات کلیدی: اصالت وجود، اعتباریت ماهیت، نقد، ناسازگاری.

۲- طرح مسأله

هویت حکمت متعالیه اصالت وجود است. فلسفه ملاصدرا به جهت مبنای اصالت وجود انسجام و نظام‌مندی خاص خویش را می‌یابد. این ادعا بدان جهت است که غالب آرای که وی بنابر مشرب قوم و یا بر اساس رویکرد خاص خودش (به عنوان آرای بدیع) بیان نموده است؛ متلائم با مبنای اصالت وجود است. به جهت همین شاخصه، فلسفه صدرایی در بین مکاتب عمده فلسفی حداقل ناسازگاری را می‌پذیرد. توضیح اینکه ملاصدرا در برخی مواضع^۱ دارای دو رویکرد کاملاً متفاوت است که می‌تواند اندیشه ناسازگاری را به ذهن خطور دهد. اما واقع امر این است که تفاوت رویکردها در موضعی خاص نه تنها ملهم ناسازگاری و تشویش نیست بلکه مؤید تلائم و در هم تنیدگی کامل آن با مبنای اصالت وجود است. در تبیین علت این انسجام باید گفت: ملاصدرا در مبنای اصالت وجود به جهت نگرش متفاوتی که به ماهیت و نحوه وجود آن دارد؛ دارای دو رویکرد عمده می‌گردد که عدم وضع تفکیک صحیح بین این رویکردها ممکن است به اتخاذ مواضع و تفاسیری بی‌انجامد که به صورت کامل قرین صحت نگردند. نگارنده بر آن است با اتخاذ چنین رویکردی، مقاله «بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی»^۲ را مورد بررسی و سنجش قرار دهد. به نظر می‌رسد مقاله یاد شده با وجود اشراف مؤلفان آن به حکمت متعالیه، از جهت نوع نگرش به مبنای اصالت وجود و همچنین، مسائل و نظریه‌های مطرح شده مبتنی بر اصالت وجود قابل تردید بوده است و مدعای ناسازگاری درونی نظام صدرایی که اساس این مقاله را تشکیل می‌دهد صائب به حقیقت نیست.

۳- گزارش

مقاله «بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی» را به جهت مواضع قابل مناقشه آن می‌توان در قسمت‌های ذیل تفکیک و مورد بررسی قرار داد.

۱- در قسمت اول مقاله دو نگرش عمده ملاصدرا در قبال اصالت وجود و اعتباریت ماهیت مطرح شده است.

معنای اول: اصالت وجود به معنای داشتن مصداق در عالم خارج از ذهن و اعتباریت ماهیت به تبع معنای اصیل، یعنی نداشتن مصداق در عالم خارج و بر این اساس تنها مصداق مفهوم وجود، یعنی حقیقت وجود عالم خارج از ذهن را پر کرده است و ماهیت تنها در ذهن محقق است.

معنای دوم: اصالت به معنای تحقق بالذات در عالم خارج از ذهن و اعتباری به معنای تحقق بالتبع یا بالعرض در عالم خارج از ذهن است. بر این اساس افزون بر تحقق بالذات وجود در عالم خارج از ذهن، ماهیت نیز بالتبع یا بالعرض به واسطه وجود تحقق یافته است. در این نگاه عالم خارج آمیخته‌ای از وجود و ماهیت است، یعنی هر دو منشأ تأثیراند اما در طول هم هستند نه در عرض یکدیگر. (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۱، صص ۴۶، ۵۱)

۲- در قسمت دوم که به نوعی مهم‌ترین قسمت مقاله محسوب می‌شود نویسندگان مدعی شده‌اند که نظریه‌های ملاصدرا که مبتنی بر اصالت وجود هستند؛ برخی مبتنی بر معنای اول اصالت وجود هستند و برخی مبتنی بر معنای دوم و از آنجا که این دو معنا یکی مستلزم نفی تحقق خارجی ماهیت و یکی مستلزم تحقق خارجی آن است؛ در نتیجه با یکدیگر ناسازگار بوده است و غیر قابل جمع هستند. بر این اساس مؤلفان وجود ناساگاری درونی را در نظام صدرايي اثبات می‌کنند که محصول این دو نگرش متفاوت ملاصدرا در مبنای اصالت وجود و نظریه‌های مبتنی بر آن است. (همان، صص ۴۸-۵۶)

۴- تکمله معانی اصالت وجود

آنچنان که گذشت در مقاله «معانی اصالت وجود» ملاک تفاوت به جهت معانی متفاوت نفس اصالت وجود در تفکر صدرايي قلمداد شده است. بدین بیان که از نظر ایشان ملاصدرا اصالت وجود را در دو معنای تحقق بالذات حقیقت وجود و ذو مصداق بودن مفهوم وجود به کار برده است. مطالعه حاضر دو بحث عمده را در این باب قابل طرح می‌داند. اول اینکه شیوه طرح دو نگرش صدرا در ابتدای مقاله مذکور، این معنا را به ذهن متبادر می‌کند که ملاک اصالی ملاصدرا در ارائه تفکیک دوگانه اصالت وجود، نفس اصالت وجود و نوع تفسیر وی از این مبنا است و نگرش وی در قبال اعتباریت ماهیت، بحثی انتزاعی و مأخوذ از اصالت وجود است. اما با این وجود در موضع تبیین ناسازگاری، شیوه چینش آراء و نظریات ملاصدرا که به زعم نویسندگان متعارض هستند؛ ملهم این معنا است که ملاک اصالی صدرالمتألهین در تفکیک دوگانه اصالت وجود، مأخوذ از نگرش متفاوت وی به اعتباریت ماهیت و پذیرش تحقق تبعی یا نفی وجود خارجی آن بوده است و ارتباط چندانی با ذو مصداق بودن با تحقق بالذات وجود در عالم خارج ندارد.^۳

بحث مهم دیگر در این موضع مربوط به نوع نگرشی است که نویسندگان به تقسیمات دوگانه معانی اصالت وجود داشته‌اند. به نظر می‌رسد یکی از علل عمده مدعای ناسازگاری مطرح شده در مقاله مذکور به همین نوع نگرش بازگشت می‌کند. توضیح اینکه تقسیم‌بندی معانی دوگانه اصالت وجود و نوع گزارش آن توسط نویسندگان مؤید آن است که ایشان معتقد به وجود رابطه عرضی و متقابل این دو معنا هستند؛ به گونه‌ای که ملاصدرا از هر دو مبنا به صورت یکسان و در عین حال ناسازگار در تبیین مسائل و مباحث فلسفه خویش بهره برده است. در مقاله «معانی اصالت وجود» شواهد و نظریاتی ارائه شده است (در ادامه مقاله به آن‌ها پرداخته خواهد شد) که به زعم نویسندگان مؤید تسری ناسازگاری مبنایی ملاصدرا در مسائل عمده فلسفه وی است. (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۳، ص ۵۵) مطالعه حاضر با وجود پذیرش ضمنی اصل تقسیم‌بندی، مناقشه‌ای جدی را در خصوص ماهیت رابطه این دو تقسیم در تفکر صدرايي مطرح می‌نماید. بدین بیان که بر خلاف نگرش مبتنی بر تقابل و ناسازگاری نویسندگان، اساس رابطه معانی دوگانه اصالت وجود در تفکر صدرايي به صورت طولی و متلائم و قابل جمع با یکدیگر لحاظ شده است. ملاصدرا با وجود تأکید بر مبنای اصالت وجود، نگرش واحدی در قبال اعتباریت ماهیت ندارد. وی در برخی مواضع مؤیداتی را ذکر

می‌کند که گواه اعتقاد وی به تحقق عرضی و تبعی ماهیت در خارج است و در برخی مواضع دیگر مؤیداتی را ذکر می‌کند که مستلزم انتزاعیت محض ماهیت و سلب هرگونه تحقق خارجی آن است. اما با این وجود این مسأله باعث ناسازگاری در نظام صدرایی نمی‌شود. زیرا به جهت رابطه طولی دو معنای اصالت وجود، هر دو دیدگاه ظاهراً ناسازگار صدرا متلائم با دیدگاه وی در باب اصالت وجود بوده است و ملاصدرا خود به آن تفسیر داشته است و آگاهانه از آن سخن می‌گوید. نگارنده بر این اساس در تکملاً تقسیم‌بندی مقاله «معنای اصالت وجود» دو نگرش متفاوت ملاصدرا در مبنای اصالت وجود را ذیل دو رویکرد عام و خاص تفکیک و تقدیم می‌دارد.

۴-۱- رویکرد عام

بر اساس ملاک اعتباریت ماهیت، در رویکرد عام صدرا اصالت به معنای تحقق بالذات در عالم خارج استعمال شده است و اعتباریت نیز به معنای تحقق بالتبع یا بالعرض در عالم خارج است. در نتیجه رویکرد عام را می‌توان ذیل دو گزاره زیر ارائه نمود:

- ۱- اصالت وجود در این نگرش به معنای تحقق بالذات حقیقت وجود در عالم خارج است.
- ۲- اعتباریت ماهیت در این نگرش به معنای نفی تحقق بالذات و در نتیجه تحقق بالعرض و تبعی ماهیت در عالم خارج از ذهن است.

در بررسی این موضع باید گفت از نظر صدرا افزون بر تحقق بالذات وجود در عالم خارج از ذهن، ماهیت نیز بالتبع یا بالعرض به واسطه وجود تحقق یافته است. از منظر نگرش عام، جهان خارج، معجونی از وجود و ماهیت است که هر دو مؤلفه منشاء اثر هستند با این تفاوت که وجود منشاء تأثیر بالذات و ماهیت بالعرض و بالتبع است.^۴ در حقیقت مبنای اساسی ملاصدرا در رویکرد عام تأکیدی است که وی در برخی مواضع به اتحاد وجود و ماهیت در عالم واقع دارد و این اتحاد ظاهراً از اذعان ایشان به وجود تبعی ماهیت در خارج از ذهن حکایت دارد.^۵

۴-۲- رویکرد خاص

صدرالمتألهین در رویکرد خاص با تأکید بر وحدت خارجی وجود و ماهیت، یگانه امر موجود و متأصل در خارج را حقیقت وجود می‌داند که واجد ویژگی تشکیک در مراتب است. وی بر خلاف رویکرد عام خویش، اعتباریت ماهیت را به معنای ذهنی بودن آن می‌داند. ملاصدرا در نگرش خاص، ماهیت را مؤلفه‌ای صرفاً ذهنی می‌داند که به لحاظ خارج، هلاکت محض بوده است و نمی‌تواند به وجود خارجی اتصاف یابد. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، صص ۱۲-۱۴؛ ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۴۷-۴۸، ج ۲، صص ۲۶۲؛ ۱۳۶۳، صص ۱۰-۱۱-۳۸-۳۹) وی بر خلاف نگرش مبتنی بر اتحاد، در این موضع ارتباط وجود و ماهیت را وحدت صرف دانسته است که در لحاظ ذهنی، این ارتباط به اتحاد و گونه‌ای بسیار خفی از اتصاف سوق می‌یابد. (ملاصدرا، ۱۳۸۲،

ص ۱۲) از نظر صدرا اذعان به ترکیب خارجی وجود و ماهیت و یا لحاظ هرگونه وجود تبعی و بالعرض برای ماهیت، مستلزم ترکیب وجود و لیس بالوجود خواهد بود که آشکارا به اجتماع نقیضین می‌انجامد. ملاصدرا ذیل بحث بسیط‌الحقیقه بودن واجب تعالی با تأکید بر بساطت خارجی حقیقت وجود و همچنین، وضع تفکیک بین اجزای بالقوه ذهنی و اجزای خارجی، تحقق هرگونه اجزای خارجی را باعث انعدام موجود دانسته است و هرگونه ترکیب احتمالی را به حوزه ذهن انتقال می‌دهد. (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۶، صص ۹۱-۹۲)

۵- بررسی و نقد ناسازگاری درونی نظام صدرایی

مهم‌ترین بخش مطالعه حاضر به بررسی و نقد مدعای ناسازگاری و عدم انسجام درونی نظام صدرایی اختصاص یافته است که از نظر نویسندگان مقاله «معانی اصالت وجود» به جهت وجود نگرش‌های متفاوت و غیر قابل جمع ملاصدرا به مبنای اصالت وجود بروز می‌یابد.^۸ ایشان معتقدند که ملاصدرا در فلسفه خود به گزینش معنای نهایی از میان دو معنای مورد نظر پرداخته است و در برخی مواضع از معنای اول و در برخی دیگر از معنای دوم اصالت وجود در تبیین آرای خویش استفاده کرده است. به دلیل اینکه بسیاری از مسائل فلسفه صدرا مبتنی بر نگرش نهایی وی در مبنای اصالت وجود نیست، حتی اگر اذعان شود ملاصدرا نگرش نهایی خود در این باب را گزینش و نگرش دیگر را حذف کرده است؛ این امر مستلزم فروپاشی بخش عمده‌ای از مسائل فلسفه وی خواهد بود که مؤید وجود ناسازگاری در نظام صدرایی خواهد بود. (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۱، ص ۵۵) بر اساس مبانی پیشگفته نوع نگرش نویسندگان به مبنای اصالت وجود و رابطه دو معنای آن و همچنین، عدم وضع تفکیک دقیق و منسجم بین معانی دوگانه ملهم مدعای ناسازگاری در نظام صدرایی بوده است. به همین جهت مبنای اساسی نوشتار حاضر در این موضع تبیین این مسأله است که بر خلاف مدعای نویسندگان، ملاصدرا از بین دو معنای اصالت وجود رویکرد خاص را که مبتنی بر نفی تحقق خارجی ماهیت است به عنوان مبنای تبیین مسائل و نظریات بدیع خویش قرار داده است. شاهد این امر غالب نظریات وی همچون تمایز بین علم و وجود ذهنی، اذعان به ناکارآمدی مبنای اشتراک ماهوی، تبیین معاد جسمانی، ابطال تناسخ ملکی و... است که نشان دهنده ابتدای کامل این نظریات بر نگرش خاص ملاصدرا در مبنای اصالت وجود و انتزاعیت محض ماهیت است. ملاصدرا با وجود اینکه در قبال مسائل و نظریات عمده^۹ فلسفه خویش نگرش واحدی ندارد اما روش و رویکرد وی در این مواضع کاملاً منسجم و نظام‌مند است. توضیح اینکه صدرالمآلهین در نظریات خویش ابتدا رأی خود را به گونه‌ای اظهار می‌کند که غالباً با رویکرد عام در مبنای اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در خارج) متلائم است. اما وی غالباً در آثار متأخر خویش بحث را به گونه‌ای مطرح می‌کند که با رویکرد خاص وی در مبنای اصالت وجود سازگار است. آنچه مشهود است اینکه عمدتاً رأی نهایی ملاصدرا در چنین مواضعی مبتنی بر رویکرد خاص وی در مبنای اصالت وجود (نفی تحقق خارجی ماهیت) بوده و کاملاً با آن متلائم است.

البته در مقاله «بررسی معانی اصالت وجود» برای تبیین مدعای ناسازگاری نظام فلسفی صدرای نظریاتی همچون تشکیک در وجود و لحاظ وجودی حقیقت علم مبتنی بر معنای اول اصالت وجود و نظریاتی همچون حرکت جوهری و نحوه وجود کلی طبیعی مبتنی بر معنای دوم اصالت وجود لحاظ شده است.^{۱۰} (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۵۳) بر این اساس در این قسمت از مقاله، نظریات مذکور به جهت اهمیت بیشترشان در نسبت به سایر آراء، به لحاظ ابتدای آن‌ها بر مبنای اصالت وجود و همچنین، میزان کارآمدی این مواضع در تبیین ناسازگاری درونی نظام فلسفی صدرایی مورد بررسی و نقد قرار خواهند گرفت.

۵-۱- تشکیک در وجود

نظریه تشکیک در وجود یکی از عمده دلایلی است که در مقاله مذکور مبتنی بر معنای اول اصالت وجود و ناساگار با معنای دوم آن دانسته شده است. در خصوص نظریه تشکیک در وجود دو بحث وجود دارد. اول اینکه مطالعه حاضر همگام با نویسندگان مقاله معتقد است که رویکرد نهایی ملاصدرا در قبال نظریه تشکیک در وجود کاملاً متلائم با معنای اول اصالت وجود (رویکرد خاص) و مبتنی بر نفی هرگونه تحقق خارجی ماهیت است. صدرا در رویکرد نهایی خویش در قبال مسأله تشکیک، با نفی هرگونه تشکیک در ماهیت یا هرگونه مفاهیم و معانی حقیقت تشکیک را در وجود منحصر می‌نماید. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، صص ۱۶۵-۱۶۶)

بحث دوم اینکه مطالعه پیش رو بر خلاف مدعای مقاله «معانی اصالت وجود» نمی‌پذیرد که رویکرد ملاصدرا در قبال مسأله تشکیک در همین رویکرد خاص منحصر باشد بلکه تبیین مذکور، رویکرد نهایی وی در مسأله تشکیک بوده است و متلائم با نگرش خاص صدرای در مبنای اصالت وجود است. توضیح اینکه صدرالمتألهین در رویکرد ابتدایی در برخی مواضع کتاب *الاسفار الاربعه* و *شرح الهدایه*، تشکیک را علاوه بر حقیقت وجود در ماهیت نیز تسری می‌دهد و این امر بدهتاً مستلزم تحقق تبعی ماهیت در خارج است که بر خلاف مدعای نویسندگان مقاله، متلائم با معنای دوم اصالت وجود (رویکرد عام) و مبتنی بر تحقق تبعی ماهیت در عالم خارج خواهد بود. (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۵۱۰-۵۱۲؛ همو، *شرح الهدایه الاثریه*، صص ۳۰۴-۳۰۵) شاهد روشن این امر کلام خود ملاصدرا در کتاب *الشواهد الربوبیه* است که صراحتاً اذعان می‌کند در قبال مسأله تشکیک دو رویکرد متفاوت دارد.^{۱۱} با این توضیح به نظر می‌رسد مدعای ناسازگاری حداقل در قبال نظریه تشکیک و نحوه تبیینی که ملاصدرا در این باب ارائه داده است قابل مناقشه جدی است. زیرا این تبیین بر اساس آنچه گفته شد^{۱۲} مبتنی بر رویکرد خاص ملاصدرا در مبنای اصالت وجود است و ملاصدرا خود کاملاً به تفاوت این دو تبیین و سازگاری آن با معانی اصالت وجود آگاه بوده است.

۵-۲- حقیقت علم

از دیگر نظریاتی که در مقاله «بررسی معانی اصالت وجود» مبتنی بر معنای اول اصالت وجود دانسته شده است نگرش خاص و متمایز ملاصدرا در خصوص حقیقت وجودی و کمالی علم است. (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۲، صص ۵۰)

در خصوص نظریه علم و کارآمدی آن در تبیین ناسازگاری نظام صدرایی چند بحث عمده می‌توان مطرح نمود. اول اینکه مطالعه حاضر همچون مبنای تشکیک، می‌پذیرد که نظریه نهایی ملاصدرا در قبال حقیقت علم متلائم با معنای اول اصالت وجود (رویگرد خاص) و مبتنی بر نفی تحقق خارجی ماهیت است اما با این وجود، نگرش وجودی به حقیقت علم به تنهایی نمی‌تواند مؤید نفی تحقق خارجی ماهیت از دیدگاه ملاصدرا باشد. زیرا نگرش وجودی به علم، تنها می‌تواند سبب خروج آن از تفاسیر ماهوی و مقولات ارسطویی گردد. به نظر می‌رسد لحاظ ذهنی ماهیت و نفی تحقق خارجی آن را می‌بایست ذیل تفاوت بین حقیقت علم و وجود ذهنی از دیدگاه ملاصدرا جستجو نمود.^{۱۳}

بحث دیگر در باب مدعای نویسندگان مبنی بر ناسازگاری نظریه علم با معنای دوم اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در خارج) و انحصار آن در تبیین پیشگفته است. در بررسی صحت این مدعا باید گفت: بر اساس نگرش نهایی ملاصدرا در خصوص لحاظ وجودی حقیقت علم و تمایز آن با وجود ذهنی، آنچنان که اعتقاد نویسندگان است، مبتنی بر معنای اول اصالت وجود بوده و هرگونه تحقق خارجی ماهیت و منشائیت اثر بودن آن نفی می‌شود. اما این امر نمی‌تواند به منزله ناسازگاری درونی نظام صدرایی تلقی گردد. زیرا صدرالمتألهین علاوه بر نگرش وجودی و غیر ماهوی به حقیقت علم، ذیل مباحث وجود ذهنی و تبیین مسأله مطابقت بین ذهن و عین، بحث را به گونه‌ای مطرح می‌کند که متلائم با معنای دوم اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در خارج) است. توضیح اینکه ملاصدرا در تبیین مطابقت بین ذهن و عین از مبنای اشتراک ماهوی استفاده می‌نماید. وی معتقد است اشیای عینی و ادراکات حسی، خیالی و عقلی حاصل از آن‌ها در ماهیت نوعی مشترک هستند و همین ماهیت لابشرط از ترتب و عدم ترتب آثار، این ادراکات را با متعلقاتشان پیوند می‌زند. (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۳۱۴-۳۲۶) صدرالمتألهین در بحث وجود ذهنی بارها و بارها وجه متمایز نظریه خویش از نظریه شیخ و امثالهم را در اشتراک ماهوی قلمداد کرده است.^{۱۴} (همان، ص ۳۲۰) کاملاً روشن است که مبنای اشتراک ماهوی مبتنی بر معنای دوم اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در خارج) است. زیرا شرط لازم صحت اشتراک ماهوی، تحقق خارجی ماهیت مشترک بین ذهن و عین است. هرچند که تحقق آن به نحو تبعی و عرضی باشد.

۵-۳- حرکت جوهری

به نظر می‌رسد مهم‌ترین نظریه‌ای که نویسندگان مقاله «بررسی معانی اصالت وجود» در جهت تبیین ناسازگاری درونی نظام صدرایی از آن استفاده نموده‌اند؛ نظریه حرکت جوهری است. بر خلاف نظریات

پیشین، یعنی تشکیک در وجود و علم که مبتنی بر معنای اول اصالت وجود و ناسازگار با معنای دوم آن بوده‌اند؛ نظریه حرکت جوهری بر اساس مدعای مقاله، مبتنی بر معنای دوم اصالت وجود بوده است و با معنای اول آن ناسازگار است. (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۲، ص ۵۴) در جهت تبیین بحث باید گفت: مهم‌ترین مناقشه‌ای که در باب نظریه حرکت جوهری می‌توان مطرح نمود این است که رویکرد نهایی ملاصدرا در قبال حرکت جوهری نه تنها با معنای اول اصالت وجود (رویگرد خاص) ناسازگار نیست بلکه این نظریه ابتدای تامی بر انتزاعیت ماهیت دارد و مستلزم نفی تحقق خارجی آن نیز خواهد بود. بر این اساس تقریری که توسط نویسندگان از این نظریه ارائه شده است؛ نگرش نهایی صدرا نبوده و متلائم با رویکرد عام وی بوده است. آنچنان که گفته شد مدعای مطالعه حاضر این است که صدرالمتألهین نظریات بدیع خویش را مبتنی بر نگرش خاص در مبنای اصالت وجود (اعتباریت و نفی تحقق خارجی ماهیت) قرار داده است و در نتیجه هرگونه ادعای ناسازگاری صائب به حقیقت نخواهد بود.

دیدگاه نهایی ملاصدرا در قبال حرکت جوهری مبتنی بر دو مبنای ذیل است:

الف: اعتباریت ماهیت و نفی تحقق خارجی آن و تأکید بر بساطت و فاردیت حقیقت وجود در خارج

ب: نفی انفعال نفس و تأکید بر جنبه فعال و خلاق آن در فرایند ادراک

صدرا در جهت ارائه تبیینی سازگار با مبانی مذکور مؤلفه‌های اصلی حرکت جوهری از قبیل ماده، صورت و اتصاف آن‌ها به جوهریت و عرضیت را مورد بازنگری قرار می‌دهد. وی در اولین گام بر اساس مبنای اصالت وجود با وضع تفکیک بین ماده و امکان استعدادی، ماده را عبارت از بودن و کونیت شیء در جهت پذیرش و قبول می‌داند. از این جهت، ماده امری معقول چه اولی و چه ثانوی نخواهد بود. بلکه صدرا ماده و قابلیت را عین وجودی می‌داند که در مرتبه خاصی قرار دارد و تمامی صور را در خود می‌پذیرد.^{۱۵} (همو، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰) وی در نهایت ذیل شاخصه خلاقیت پویایی نفس در ایجاد صور ادراکی، ماده را در جرگه امور مفهومی و ماهوی‌ای قرار می‌دهد که در فرایند اشتداد موجود خاص خارجی در مراتب وجود، به جهت شاخصه اشتدادپذیری و شهود این فرایند توسط نفس خلاق انتزاع شده است. بر این اساس حقیقت ماده عبارت از وجود خاص خارجی خواهد بود که نفس به واسطه شهود جنبه بالقوه بودن و قابلیت در فرایند اشتداد انتزاع می‌کند. (همان، ص ۱۱۲) ملاصدرا در گام دوم، بر اساس نگرش خاص خویش در مبنای اصالت وجود صورت را که در بردارنده تمام حقیقت یک شیء است، مساوق و مصادق وجود خاص خارجی لحاظ می‌کند. (همان، ص ۲۳۷) وی همسان ماده، صورت را محصول عدم انفعال و خلاقیت نفس دانسته است و با وضع تفکیک بین ذهن و عین، معتقد است نفس به جهت جنبه فعال و پویای خویش، صورت را از جنبه فعلیت و کمال موجودات در فرایند حرکت اشتدادی انتزاع می‌نماید. ملاصدرا در گام بعدی به وحدت وجودی دوگانه‌های ماده و صورت در عالم خارج گرایش می‌یابد.^{۱۶} از نظر وی پذیرش صور از جانب ماده بر منوال اتحاد نیست بلکه این دو به لحاظ خارجی واحد بوده است و اساساً انفکاکشان محال است.^{۱۷} ملاصدرا در تبیین خود از نظریه حرکت جوهری، اعراض، طبیعت و جواهر را لوازم صورت نوعی می‌داند

که همگی با یک جعل بسیط ایجاد می‌شوند و با یک وجود موجودند. از نظر او اقسام حرکات عرضی و جوهری در حقیقت، فرایندی اشتدادی از سنخ وجود و واقعیت است که به جهت شاخصهٔ خلاقیت و پویایی نفس می‌تواند هم مصداق جوهر و هم مصداق عرض واقع شود. صدرالمتهلین در نهایت حقیقت حرکت را واقعیتی تدریجی و سیال می‌داند که به جهت اعتبارات گوناگون، نفس از آن اقسام صور نوعی، فصول، اجناس و حرکات عرضی و جوهری را انتزاع می‌نماید. (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۱۲) بر این اساس در حوزهٔ تفکر صدرایی به واسطهٔ این تفکیک، حرکت به دو مقولهٔ اشتداد وجودی و فهم و انتزاع اشتداد جوهری توسط نفس انقسام می‌یابد. اشتداد وجودی از دیدگاه صدرای عبارت است از:

تحقق مصداق و فردی سیال از مقولهٔ جوهر که در عالم خارج واجد مصداق می‌گردد نه اینکه موجود خارجی فردی از آن مقوله باشد. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳) با این توضیح لوازم و مؤلفه‌های ماهوی‌ای همچون ماده، صورت، جسم و اتصاف این امور به جوهریت و عرضیت از حوزهٔ اشتداد وجودی خارج می‌شوند. بر این اساس موجودات به واسطهٔ بقای وحدت تشکیکی حقیقت وجود در مراتب و عینیت آن با هویت شخصی موجود واجد حرکت، بر وجه صعودی در مراتب وجودی اشتداد می‌یابد و کمالات لائقهٔ وجودی را تحصیل می‌کنند. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، صص ۲۱۲-۲۱۳؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۸۰)

همچنین اشتداد جوهری عبارت خواهد بود از:

مشاهدهٔ فرایند اشتداد وجودی موجودات در مراتب وجودی توسط نفس و انتزاع و استنباط وجود حرکت و اشتداد در جوهر و ذات موجودات واجد تشکیک. بر این اساس نفس به واسطهٔ شهود اشتداد در مراتب وجود، صور جوهری را انتزاع می‌کند که در هر آنی از آنات بر مادهٔ قابل خویش توارد می‌نماید. مادهٔ قابل نیز، تمامی صور جوهری منتزاع را به نحو لبس بعد لبس می‌پذیرد. ملاصدرا امر ثابت در فرایند اشتداد جوهری را وحدت حقیقت نوعی جوهری منتزاع می‌داند. بدین معنا که اگرچه اتصاف اشتداد در فردی از افراد جوهر است اما نوعی از جوهریت در آن باقی می‌ماند.^{۱۸} (همان، ص ۲۱۰)

با این توضیحات روشن می‌گردد که بر خلاف مدعای ناسازگاری نویسندگان، رویکرد نهایی ملاصدرا در نظریهٔ حرکت جوهری متلائم با معنای اول اصالت وجود (رویگرد خاص) و مبتنی بر انتزاع ماهیت و نفی تحقق خارجی آن^{۱۹} است. بر این اساس در مقالهٔ مذکور به جهت خلط دو مقولهٔ اشتداد وجودی و اشتداد جوهری (انتزاع اشتداد وجودی) و وضع اشتداد جوهری به جای اشتداد وجودی به عنوان نظریهٔ نهایی ملاصدرا، نظریهٔ حرکت جوهری مبتنی بر تحقق خارجی ماهیت (معنای دوم اصالت وجود) دانسته شده است و مدعای ناسازگاری درونی نظام صدرایی مطرح گردیده است.

۵-۴- کلی طبیعی

نگرش ملاصدرا به کلی طبیعی نیز یکی از مهم‌ترین نظریاتی است که در مقالهٔ مذکور مبتنی بر تحقق خارجی ماهیت (معنای دوم اصالت وجود) و ناسازگار با معنای اول لحاظ شده است و نویسندگان این امر را

مؤید ناسازگاری درونی نظام صدراپی دانسته‌اند. (کشفی و بنیانی، ۱۳۹۲، ص ۵۳) در جهت تبیین بحث باید گفت: اولاً نگرش ملاصدرا به مسأله کلی طبیعی بر خلاف مدعای نویسندگان مبتنی بر مبنای تحقق خارجی ماهیت یا معنای دوم اصالت وجود نیست. ثانیاً واکاوی نگرش نهایی صدرا در این بحث نشان می‌دهد تبیینی که وی از نحوه وجود کلی طبیعی ارائه می‌دهد، کاملاً منطبق و متلائم با نفی تحقق خارجی ماهیت (معنای اول اصالت وجود) بوده است و در نتیجه ادعای ناسازگاری درونی نظام صدراپی در این موضع نیز رفع خواهد شد. در جهت تمهید امر در این قسمت از مقاله رویکرد ملاصدرا در قبال مسأله کلی طبیعی و مبنای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نحوه وجود کلی طبیعی یا ماهیت لابشرط در تفکر صدراپی در هم تنیدگی زیادی با مبنای وی در مسأله اصالت وجود و اعتباریت ماهیت دارد. این ارتباط به حدی است که می‌توان گفت ملاصدرا متناسب با دو معنای اصالت وجود (تحقق خارجی ماهیت و نفی تحقق خارجی آن)^{۲۰} دو نگرش متفاوت به نحوه وجود کلی طبیعی و منشاء انتزاع آن دارد. صدرا به صورت کلی بر خلاف رأی ابن سینا و اخلاف مشائی وی^{۲۱} ماهیت لابشرط را امری متأخر از ماهیت مشخص و تابع آن می‌داند. در نگرش اول که مبتنی بر رویکرد عام وی در مبنای اصالت وجود (تحقق تبعی ماهیت در عالم خارج) است، ماهیت مشخص را مقوله‌ای وجودی و خارجی می‌داند از باب اینکه به وجود خارجی آثار صدق کرده است و حقیقتاً به آن متصف می‌گردد.^{۲۲} بر این اساس در رویکرد عام ملاصدرا، کلی طبیعی به عنوان مقوله‌ای مطرح می‌شود که از حیث ذاتش نه به وجود و نه به هیچ یک از صفات از جمله وحدت و کثرت متصف نمی‌گردد. بیان وی در این باب چنین است: «المسمى بالکلی الطبیعی و الماهیة لا بشرط لیس لها فی ذاتها من حیث ذاتها وجود و لا وحدة و لا کثرة و لا استمرار و ثبات و لا أيضاً انقطاع و حدوث بل هی فی جمیع هذه الصفات تابعة لأفرادها موجودة بعین وجودها واحدة بوحدتها کثیرة بکثرتها قدیمة بقدمها حادثه بحدوثها.» (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۲۸۵) از نظر صدرا ماهیت لابشرط در تمام این اتصافات تابع افرادش یا همان ماهیت بشرط شیء است که به عین وجود خاص در عالم خارج تحقق دارد و موجودیت آن به این معنا است که افرادی در خارج تحقق دارند که این مفهوم بر آن‌ها قابل حمل است.^{۲۳}

در نگرش دوم ملاصدرا که مبتنی بر رویکرد خاصش در مبنای اصالت وجود (انتزاعیت و نفی تحقق خارجی ماهیت) است، کلی طبیعی به جهت نحوه وجود و همچنین، منشاء انتزاع آن وضعیتی متفاوت با نگرش اول می‌یابد. صدرا المتألهین بر خلاف مدعای نویسندگان مقاله، بر اساس مبنای وحدت و یگانگی وجود و ماهیت مشخص در عالم خارج و نفی تحقق خارجی آن، کلی طبیعی یا ماهیت لابشرط را به تبع ماهیت مشخص، امری ذهنی و انتزاعی می‌داند. از نظر وی لحوق قید کلیت بر کلی طبیعی، هرگونه تحقق خارجی آن را نفی می‌کند و موجودیت آن را به ذهن منحصر می‌نماید. (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۴)

ملاصدرا بر اساس رویکرد خاص خویش، بر خلاف رویکرد عام منشاء کلی طبیعی را ماهیت مشخص و بشرط شیء نمی‌داند. توضیح اینکه صدرا در رویکرد عام، بر اساس مبنای اتحاد وجود و ماهیت کلی طبیعی را امری متأخر و منتزع از ماهیت بشرط شیء می‌داند اما در این موضع وی کلی طبیعی را امری منتزع از عالم خارج و وجود خاص خارجی لحاظ می‌کند.^{۲۴} از نظر صدرا هر دو قسم ماهیت یعنی ماهیت بشرط شیء و ماهیت لابشرط از سنخ اموری هستند که توسط ذهن از عالم خارج و وجود خاص خارجی انتزاع می‌شوند. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۸) ملاصدرا حتی موجودیت ماهیت لابشرط یا کلی طبیعی در ذهن را نیز بالعرض و تابع کیفیت انتزاع نفس می‌داند. شاهد این امر کلام وی در کتاب *الشواهد/الربوبیه* است «والکلی الطبیعی علی ما هو التحقیق غیر موجود لا فی الخارج ولا فی العقل إلا بالعرض.» (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۸) به بیان دیگر: نفس به واسطه شهود عالم خارج، ماهیت و تصویری مشابه را انتزاع می‌نماید که به واسطه وجه خلاقیتش می‌تواند آن را مقارن یا غیر مقارن با فصول و خواص لحاظ نماید.^{۲۵}

۶- نتیجه‌گیری

مدعای عدم انسجام و ناسازگاری درونی نظام صدراپی که در مقاله «بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدراپی» مطرح شده است، دارای دو بحث عمده است:

۱- اول اینکه مدعای مقاله این است که ملاک اصالی ملاصدرا در ارائه تفکیک دوگانه اصالت وجود، نفس اصالت وجود و نوع تفسیر وی از این مبنا است. اما شیوه چینش آراء و نظریات ملاصدرا که به زعم نویسندگان متعارض هستند، ملهم این معنا است که ملاک اصالی صدرالمتهلین در تفکیک دوگانه اصالت وجود، مأخوذ از نگرش متفاوت وی به اعتباریت ماهیت و پذیرش تحقق تبعی یا نفی وجود خارجی آن بوده است.

همچنین، به نظر می‌رسد نوع تفکیک معانی دوگانه اصالت وجود و گزارش آن توسط نویسندگان مؤید آن است که ایشان معتقد به وجود رابطه عرضی و متقابل این دو معنا هستند؛ به گونه‌ای که ملاصدرا از هر دو مبنا به صورت یکسان و در عین حال ناسازگار در تبیین مسائل و مباحث فلسفه خویش بهره برده است.

۲- در مقاله مذکور این نکته مغفول مانده است که ملاصدرا نگرش خاص در مبنای اصالت وجود را که مبتنی بر نفی تحقق خارجی ماهیت است، به عنوان نگرش نهایی خویش گزینش کرده است و آرای خاصش در مسائل مختلف را غالباً بر این مبنا استوار نموده است. عمده شواهد و مؤیداتی که نویسندگان در جهت تبیین مدعای ناسازگاری ارائه نموده‌اند واجد همین شاخصه هستند. بدین بیان که نگرش نهایی ملاصدرا در قبال نظریاتی همچون علم و تشکیک کاملاً مبتنی بر رویکرد خاص (نفی تحقق خارجی ماهیت) است. اما با این وجود وی در برخی مواضع، نظریات مذکور را به گونه‌ای طرح می‌کند که متلائم با رویکرد عام (تحقق تبعی ماهیت در خارج) است. همچنین، رویکرد نهایی وی در قبال نظریاتی همچون

حرکت جوهری و کلی طبیعی کاملاً متفاوت از تبیین ارائه شده در مقاله مذکور بوده است و بر خلاف مدعای نویسندگان کاملاً مبتنی بر رویکرد خاص وی در مبنای اصالت وجود است.

یادداشت‌ها

^۱ از جمله این مواضع می‌توان به بحث وجود ذهنی، حرکت جوهری، کلی طبیعی، مطابقت، ذات‌گرایی و ... اشاره نمود.
^۲ مقاله مذکور به قلم آقای دکتر عبدالرسول کشفی و دکتر محمد بنیانی نگارش شده است. رک: کشفی، عبدالرسول و بنیانی، محمد، بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی، پژوهش‌های هستی‌شناختی، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۴۵-۵۶.

^۳ به نظر می‌رسد در مقام تبیین نظریه اصالت وجود و وضع هرگونه تفکیک نمی‌توان دغدغه ماهیت و اعتباریت آن را در تفکر صدرایی نادیده گرفت. این اهمیت تا به حدی است که می‌توان گفت اعتباریت ماهیت و نوع نگرش به آن، کاملاً با مسأله اصالت وجود در هم تنیده است و غفلت از این تلازم یا اعتقاد به نقش انتزاعی آن در ارائه هرگونه تبیین یا تفکیک از این مبنا غیر صائب خواهد بود.

^۴ البته لازم به تذکر است که ملاصدرا فرض اصالت وجود و ماهیت را مردود می‌داند و بالعرض بودن ماهیت در عالم خارج را عین وجود و نه امری متفاوت از آن لحاظ می‌کند، ولی به هر روی وجود تبعی آن را می‌پذیرد. (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۶۶-۶۷؛ ۱۳۸۲، ص ۱۲)
^۵ بیان وی در *اسفار* در این باب چنین است: «فقد علم مما ذكره و مما ذكرنا ان الماهية متحدة مع الوجود في الواقع نوعاً من الاتحاد.» (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۶)

^۶ غالب اندیشمندان معاصر نیز رویکرد نهایی ملاصدرا را همین رویکرد دانسته‌اند. علامه طباطبایی در این باب معتقد است که ماهیت حد وجود نیست بلکه کیفیت ظهور آن بر ذهن ماهیت خوانده می‌شود. ایشان اعتباری بودن ماهیت را به معنای ذهنی بودن صرف آن و نه خارجیت اعتباری آن لحاظ می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۲۵)

^۷ بر این اساس و با توجه به اصالت و وحدت حقیقت وجود صدرایی، محتمل است؛ صادق باشد که اگر A و B و C موجودات خارجی باشند. فرمول خارجی هر یک از آن‌ها به این صورت است که $A=A$ ، $B=B$ ، $C=C$ و مثلاً فرمول‌های $A+B=C$ ، $A+C=B$ یا $B+C=A$ در خارج صادق نیست. علامه در *حاشیه اسفار* در تکمیل این بحث می‌گوید: «و علی تقدیر الوجوب، لایلزم أن یکون موجوداً بالقوة لانه جزء مقدری و الاجزاء المقدریة موجودة بالقوة و الا لاتتقی المقدر.» (ملاصدرا، ۱۴۲۹)، *حاشیه علامه*، ج ۶، ص ۸۹)

^۸ باید دانست وجود رابطه طولی بین دو رویکرد ملاصدرا در قبال مبنای اصالت وجود بدان جهت است که اگر رویکرد ملاصدرا ذیل دو نگرش عام و خاص مورد بررسی قرار گیرد؛ روشن می‌شود که صدرالمآلهین در هر دو نگرش خویش مبنای اصالت وجود را در معنای واحدی به کار برده است و مایه اصلی تفاوت دو رویکرد عام و خاص وی به جهت نگرش وی به اعتباریت ماهیت بروز می‌یابد. این در حالی است که نگارندگان مقاله مبنای اصالت وجود را در دو معنای متفاوت استعمال کرده‌اند و به تبع آن به ناسازگاری و وجود رابطه عرضی بین دو معنای اصالت وجود معتقد شده‌اند. اما در مطالعه حاضر با نفی ثنویت معانی، مبنای اصالت وجود در تفکر صدرایی بدین معنا است که در تمام قضایای وجودی (کان تامه) و قضایای غیر وجودی (کان ناقصه) امر واقعی و عینی منشاء تأثیر، مابازاء مفهوم هستی موضوع است. بدین بیان که بر اساس اصالت وجود، در قضایای «زید موجود است» یا «زید عالم است» مابازاء تصور هستی زید منشاء تأثیر بوده و اصیل است. مضافاً اینکه حتی دو معنای متفاوت اعتباریت ماهیت در تفکر ملاصدرا مستلزم تحقق ناسازگاری بین دو نگرش عام و خاص وی در قبال مبنای اصالت وجود نخواهد بود. زیرا عینیت مصداق ماهیت با حقیقت وجود منافاتی با تحقق بالعرض ماهیت در خارج ندارد. از نظر صدرا ماهیت امری است که از منشاء انتزاع خارجی انتزاع می‌شود. در حقیقت تأکید ملاصدرا این است که تفکیک وجود از ماهیت کار ذهن است و در خارج این دو به یک تحقق متحققند که آن تحقق اولاً و بالذات از آن وجود است و ثانیاً و بالعرض به ماهیت نسبت داده می‌شود.

^۹ منظور از قید عمدتاً یا غالباً به معنای این نیست که برخی آرای ملاصدرا این ویژگی را نداشته باشند بلکه به معنای تتبع نگارنده در غالب آرای وی است.

^{۱۰} در این موضع می‌بایست نکته مهمی تذکر داده شود و آن این است که نویسندگان مقاله بر خلاف نوع تقسیم‌بندی معانی اصالت وجود که تأکید ذاتی آن بر دو معنای اصالت وجود بود، نظریات و ادله‌ای که در قسمت دوم مقاله خود ارائه کرده‌اند ظاهراً از ملاک تفاوت در معانی اصالت وجود دور شده است. حقیقت امر این است که بررسی نشان می‌دهد شواهد و ادله‌ای که در تبیین معنای اول ارائه شده است، صرفاً مؤید انتزاعیت و ذهنی بودن محض ماهیت است. همچنین، شواهد و ادله‌ای که در تبیین معنای دوم ارائه شده است، فارغ از معانی اصالت وجود، مؤید ادعان ملاحظه‌شده به تحقق تبعی و عرضی ماهیت در عالم خارج است. (رک: کشفی و بنیانی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۵۳)

^{۱۱} بیان صدر در این باب چنین است: «و اما تفصیل مباحث التشکیک مستقصی، فقد آوردناه فی الاسفار، و رجحنا هناک القول بالاشدیه بحسب الماهیه و المعنی، و ها هنا نقول هذا التفاوت کالتفاوت بالاقدمیه یرجع الی انحاء الوجودات، فللوجود اطوار مختلفه فی نفسه و المعانی تابعه لاطواره.» (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵)

^{۱۲} مدعای مطالعه حاضر این است که قاطبه نظریات ملاصدرا متلائم با رویکرد خاص و مبتنی بر نفی تحقق خارجی ماهیت است. ^{۱۳} توضیح اینکه ملاصدرا وجود ذهنی را سایه حقیقت وجودی علم می‌داند که در قیاس با معلوم خارجی بروز می‌یابد. از نظر وی هنگامی که یک مفهوم در ذهن حضور می‌یابد وجود آن مفهوم، همان حقیقت علم است و ماهیت آن مفهوم، وجود ذهنی و معلوم خواهد بود و همان‌طور که بر اساس اصالت وجود موجودیت ماهیت انتزاعی است، در عالم ذهن نیز موجودیت وجود ذهنی وابسته به حقیقت علم خواهد بود و در نتیجه وجود ذهنی به دلیل شاخصه ماهوی بودن، فاقد آثار حقیقت وجودی علم خواهد بود. (رک: ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۴۶-۳۴۷؛ ج ۳، ص ۳۱۳)

^{۱۴} مذاقه صدرالمتألهین در اشکالات وجود ذهنی و ارائه راهکار وحدت حمل در این موضع از دیدگاه غالب متأخران ستوده شده است. ^{۱۵} از نظر وی، امکان استعدادی حیثیتی است که از بودن شیء در جهت پذیرش و قبول حاصل می‌شود. از این جهت، امکان استعدادی معقول ثانی فلسفی خواهد بود که عروضی ذهنی و اتصافی خارجی دارد. (همو، ۱۳۸۲، ص ۱۹۸؛ مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۲۸۱)

^{۱۶} آیت الله حائری یزدی در این مورد معتقد است: گرایش بر وحدت وجودی در باب رابطه ماده، صورت، جسم و نفس معقول و مطلوب خواهد بود. بدین معنا که جسم و نفس یک وجود بیشتر ندارند و فقط در تحلیل‌های بسیار عمیق عقلی از یکدیگر متمایز می‌شوند. (رک: حائری یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹)

^{۱۷} به نظر می‌رسد ملاصدرا بنابر مشرب قوم بحث اتحاد ماده و صورت را مطرح کرده است و گرنه بنابر مشرب فلسفی خاصش می‌بایست بر وحدت خارجی آن‌ها معتقد باشد. (رک: علیزاده، بیوک، نظریه معرفت‌شناختی صدر در بوته توجیه، نامه حکمت، شماره ۳، بهار و تابستان ۸۳، ص ۳۳)

^{۱۸} برای اطلاع بیشتر در این باب: (رک: نجاتی، محمد، ۱۳۹۱، صص ۵۷-۶۸)

^{۱۹} نفی تحقق خارجی ماهیت، بر اساس دیدگاه نویسندگان مقاله معنای اول اصالت وجود و از دیدگاه نگارنده رویکرد خاص ملاصدرا در مبنای اصالت وجود نامیده شده است.

^{۲۰} منظور رویکرد عام و خاص ملاصدرا است که در مقاله به آن‌ها اشاره شد.

^{۲۱} ابن سینا به جهت اعتقاد به تقرر ماهیت، کلی طبیعی را متقدم از ماهیت مشخص می‌داند. بدین بیان که شیخ از یک سو به تقدم ماهیت بر وجود معتقد است و از سوی دیگر، ماهیت را به وجود لاقترضا می‌داند و اعتقاد دارد که جعل حقیقی به ماهیات تعلق نمی‌گیرد و تحقق ماهیت در خارج مستلزم افاده وجود از جانب واجب تعالی خواهد بود. (ابن سینا، ۱۳۷۶، ص ۲۰۴؛ همو، ۱۳۶۴، ص ۵۴۸) از نظر وی ماهیت لابشرط یا کلی طبیعی نسبت به ماهیت مشخص و بشرط شیء همانند جزء است به کل و اگر کل یعنی ماهیت بشرط شیء در خارج موجود باشد، ضرورتاً جزء که کلی طبیعی باشد نیز به طریق اولی در خارج موجود خواهد بود. بیان شیخ در این باب چنین است: «لانه اذا کان هذا الشخص حیواناً ما موجود، فحیوان ما موجود، فالحیوان الذی هو جزء من حیوان ما موجود.» (رک: ابن سینا، ۱۳۷۶، ص ۲۰۴)

^{۲۲} بیان ملاصدرا در این باب چنین است: «و انه موجود فی الخارج بمعنی انه یرصدق حده علی الاشیاء الکثیره فیه و لایعنی بموجودیه الشی الا ذلک.» (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۳)

^{۲۳} بیان صدر در این باب چنین است: «ان الکلی الطبیعی غیر موجود بالذات بل الموجود بالذات هو الوجود الخاص.» (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۱۳)

^{۲۴} ملاصدرا کیفیت تحقق کلی طبیعی را چنین بیان می‌کند: «أنهم ذهبوا إلى أن الحقيقة الواحدة و المعنى الكلي بصفة الوحدة و الكلية واقعة في الأعيان و هو فاسد نعم المعنى الواحد و المشترك- و الكلي و العام و النوع و الجنس إلى غير ذلك من اللواحق قد يوجد في الأعيان لكن لا بهذه الاعتبارات فحقيقة الإنسان مثلاً من حيث هو إنسان موجودة في الأعيان منصبة بالوجود لا من حيث نوعيته و اشتراك الكثرة فيه بل من حيث طبيعته و ماهيته» (ر.ک: ملاصدرا، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۴).

^{۲۵} برای اطلاع بیشتر در این باب: (ر.ک: نجاتی، ۱۳۹۱، صص ۱۳۵-۱۴۸)

منابع و مأخذ

- آشتیانی، سیدجلال الدین، (۱۳۸۲)، *هستی از نظر عرفان و فلسفه*، قم، بوستان کتاب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۸۳)، *الاشارات و التنبیهاث*، تحقیق: کریم فیضی، قم، مطبوعات دینی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۶۴)، *النجاة*، قم، مرتضوی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، *رحیق مختوم، شرح حکمت متعالیه*، قم، اسراء.
- حائری یزدی، مهدی، (۱۳۸۰)، *سفر نفس، به کوشش: عبدالله نصری*، تهران، نقش جهان.
- عبودیت، عبدالرسول، (۱۳۸۵)، *درآمدی به نظام حکمت صدرایی*، تهران، سمت.
- علیزاده، بیوک، (۱۳۸۳)، «نظریه معرفت‌شناختی صدرا در بوتۀ توجیه» نامه حکمت، شماره ۳، بهار و تابستان، صص ۲۹-۵۰.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۳۸۵)، *نهایة الحکمة*، تحقیق: غلامرضا فیاضی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- کشفی، عبدالرسول و بنیانی، محمد، (۱۳۹۱)، «بررسی معانی گوناگون اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در نظام صدرایی»، پژوهش‌های هستی‌شناختی، بهار و تابستان، شماره ۱، صص ۴۵-۵۶.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران، صدرا.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸)، *شرح نهایة الحکمة*، تحقیق و نگارش: عبدالرسول عبودیت، قم، مؤسسه امام خمینی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا)، (۱۳۸۰)، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا)، (۱۴۲۹)، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، قم، طلیعة النور.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا)، (۱۳۸۲)، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، تصحیح و مقدمه: مصطفی محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا)، (۱۳۱۳)، شرح الهدایة الاثیریة، تهران، انتشارات تهران.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (ملاصدرا)، (۱۳۸۱)، کسر اصنام الجاهلیة، تصحیح و تحقیق: محسن جهانگیری، تهران، صدرا.
- نجاتی، محمد و بهشتی، احمد، (۱۳۹۱)، «بررسی و تبیین مسأله کلی طبیعی در حکمت متعالیه»، جاویدان خرد، سال نهم، شماره ۲۲، پاییز و زمستان، صص ۱۳۵-۱۴۸.
- نجاتی، محمد و بهشتی، احمد، (۱۳۹۱)، «حرکت جوهری ملاصدرا و پیامدهای معرفت‌شناختی آن»، خردنامه صدرا، شماره ۵۸، تابستان، صص ۵۷-۶۸.

